

## بزه‌دیدگی کودکان در محیط خانواده از منظر حقوق کیفری افغانستان

اسدالله حلیمی\*

### چکیده

کودکان از آسیب‌پذیرترین قشر جامعه در برابر جرایم و آسیب‌های اجتماعی‌اند. آن‌ها به‌خاطر وضعیت ویژه‌ای جسمی و فکری، در معرض انواع آزار و اذیت جسمانی مانند سقط‌جنین، جنین‌آزاری، قتل، ضرب و جرح، تنبیه بدنی و بهره‌برداری جنسی قرار می‌گیرند. لذا ضرورت دارد که از کودکان بزه‌دیده، حمایت‌های کیفری و غیر کیفری صورت گیرد. در حقوق کیفری افغانستان تدابیر مختلف حمایتی برای صیانت از سلامت جسمی و عفت کودکان، وجود دارد؛ رفتارهای آسیب‌زا به جسم آن‌ها؛ چه قبل از تولد مانند سقط جنین و جنین‌آزاری و بعد از تولد مانند قتل، ضرب، جرح و تنبیه بدنی، مورد جرم‌انگاری قرار گرفته و در صورت ارتکاب برخی جرایم یادشده در محیط خانواده و از سوی نزدیکان کودکان، مجازات سنگین‌تری در نظر گرفته شده است و نیز جرایم علیه عفت آن‌ها در قوانین کیفری افغانستان مورد جرم‌انگاری قرار گرفته است؛ البته با این تفاوت که کودکان در برابر برخی از این جرایم (زنا، لواط و تفخیز) مثل بزرگسالان در نظر گرفته شده است اما در برابر جرم بچه‌بازی و سوءاستفاده جنسی از کودک، حمایت‌های ویژه در قوانین افغانستان پیش‌بینی شده است. ماهیت تدابیری که در حقوق کیفری افغانستان در قبال بزه‌دیدگی کودکان پیش‌بینی شده است بیش‌تر جنبه تنبیهی دارد.

**واژگان کلیدی:** حقوق کیفری، افغانستان، بزه‌دیدگی، کودک، خانواده.

---

\* دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی. E-mail: asadhalimi2019@gmail.com

جرم‌شناسی در گذشته بیشتر بر مجرم و خصوصیات آن تمرکز داشت، اما در دهه‌های اخیر، در اثر تعامل جرم‌شناسی با روان‌شناسی - اجتماعی، توجه حقوق‌دانان و جرم‌شناسان به سمت بزهدیده معطوف گردیده است. البته تحقیقات هم بر این امر صحه گذاشته که بزهدیده یک عامل منفعل در جرم نیست بلکه کسی است که رفتارش در بسیاری از جرایم مؤثر است. بدین ترتیب جرم‌شناسان در مقام علت‌شناسی جرم، تنها به مجرم و ویژگی‌های آن توجه نمی‌کنند، بلکه به بزهدیده و ویژگی‌های شخصیت وی نیز توجه می‌کنند، در بزهدیده و بزهدیده‌شناسی مباحث و مسایل زیادی وجود دارد، یکی از آن مباحث مسأله بزهدیدگی کودکان است. بزهدیدگی کودکان نیز مباحث زیادی دارد که یکی از آن مباحث مسأله بزهدیدگی کودکان در محیط خانواده است و این پدیده از اهمیت خاص برخوردار است؛ زیرا خانواده اولین محیطی است که کودک و شخصیت کودک در آن شکل می‌گیرد. از این‌رو، خانواده نقش اساسی در رشد سالم، بزهکاری و بزهدیدگی کودکان دارد، کودکان در محیط خانواده ممکن است در معرض آسیب‌هایی مانند خشونت، تعرض جنسی، قتل، ضرب و جرح قرار گیرد. بدین لحاظ کشورها در راستای حمایت از کودکان چه در عرصه داخلی و چه در عرصه بین‌المللی تلاش‌های زیادی انجام داده‌اند. دولت جمهوری اسلامی افغانستان نیز در بازه زمانی بیست‌ساله تلاش‌های زیادی در زمینه حمایت از کودکان در محیط خانواده و بیرون از محیط خانواده در برابر جرایم علیه جسم و عفت کودکان انجام داده و قوانینی را تصویب نموده است که به‌صورت ویژه به حمایت از کودکان می‌پردازد، اما متأسفانه عملاً امروزه در تمام نقاط افغانستان کودکان از سوی افراد خانواده مورد انواع آزار و اذیت قرار گرفته که مهم‌ترین عوامل این پدیده، ضعف دولت، فرهنگ سنتی، پایین بودن سطح سواد والدین و فقر خانواده‌ها است. از این‌رو، شناسایی و تحلیل راهبردهای کیفری افغانستان در قبال جرایم یاد شده اهمیت فراوانی دارد. در این مقاله سعی شده رویکرد

حقوق کیفری افغانستان در قبال بزه‌دیدگی جسمانی و جنسی کودکان در محیط خانواده  
مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

## الف. مفاهیم

### ۱. بزه‌دیده

بزه‌دیده در حقوق کیفری با عناوینی چون مجنی‌علیه و یا شاکی موردتوجه  
قانون‌گذاران قرار گرفته و در متون فقهی نیز، به زیان‌دیده از جرم، به‌طور کلی، مجنی‌علیه  
اطلاق می‌شود. واژه بزه‌دیده برگرفته از واژه‌ی لاتین (victim) است و به شخصی گفته  
می‌شود که به دنبال رویداد یک جرم آسیب و یا آزار می‌بیند و بزه‌دیده در زبان فارسی  
معادل واژه‌های عربی قربانی و مجنی‌علیه به‌کار رفته است و در زبان عربی برای آن  
واژه‌های متعددی چون مجنی‌علیه، ضحیه، مضرور، متضرر و فریسه به‌کار رفته است.  
(سلیمان‌الفارقی، ۱۹۹۱: ۷۳۳)

یکی از نام‌آورترین نظریه‌پردازان بزه‌دیده‌شناسی در جهان که در تعریف بزه‌دیده و  
گستره آن به نسبت کاملی از گذرواژه (victim) استفاده کرده‌است عزت‌فتح است به  
عقیده فتح واژه قربانی در هر مفهوم بیش و کم ممکن برای اشاره به کسی که دچار زیان  
و یا آسیب شده، به کار می‌رود، خواه آن زیان یا آسیب مالی، بدنی و یا به شکل درد و  
رنج عاطفی باشد. (رایجیان اصلی، ۱۳۹۰: ۱۸)

برخی از حقوق‌دانان بزه‌دیده را چنین تعریف کرده‌است: بزه‌دیده کسی است که یک  
خسارت قطعی، آسیبی به تمامیت شخصی او وارد آورده‌است و اکثر افراد جامعه هم به  
این مسأله اذعان دارند (لپز و فیلیزولا، ۱۳۷۹: ۹۶) در فرهنگ حقوقی آکسفورد بزه‌دیده را  
به معانی زیر به کار برده شده‌است:

۱. شخصی که در پی یک رویداد یا پیامد آسیب می‌بیند
۲. شخصی یا چیزی که به دنبال یک اعتراض یا در جهت ارضای خشم و غضب  
آسیب‌دیده و یا کشته می‌شوند.

۳. شکار یا طعمه موجودی زنده که برای خدایان در یک آیین قربانی می‌شود (رایجیان اصلی، ۱۳۸۴: ۸۲)

ماده ۱ بخش الف از اعلامیه اصول بنیادی عدالت برای بزه‌دیدگان جرم، مجمع عمومی سازمان ملل متحد (۱۹۸۵) بزه‌دیده را چنین تعریف می‌کند: بزه‌دیدگان، اشخاصی‌اند که - در پی فعل‌ها یا ترک فعل‌های ناقض قوانین کیفری دولت‌های عضو، از جمله قوانینی که سوءاستفاده‌های مجرمانه از قدرت را ممنوع کرده‌اند - به صورت فردی یا گروهی، به آسیب از جمله آسیب بدنی و روانی، درد و رنج عاطفی، زیان اقتصادی یا آسیب اساسی به حقوق بنیادی خود، دچار شده‌اند.

در تعریف دیگر از سوی برخی از حقوق‌دانان آمده است: بزه‌دیده به مفهوم خاص آن کسی است که در جریان یک عمل مجرمانه، متحمل خسارت و به‌طورکلی متحمل آسیب شده است؛ آسیب جسمی، مالی، روانی، روحی، حیثیتی (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۷: ۱۹۲) در این مقاله همین معنای خاص بزه‌دیده مراد است و بزه‌دیده، کودکی است که در جریان عمل مجرمانه علیه جسم و عفت وی، متحمل آسیب گردیده است.

## ۲. کودک

واژه کودک در این تحقیق از واژه‌های کلیدی و مهم است که نیاز به توضیح و تعریف دارد، معادل عربی کودک؛ طفل است که به معنای کوچک از هر چیز، کودک، بچه، نوزاد و بچه کوچک از انسان است (عمید، ۱۳۸۹: ۷۴۳) معادل انگلیسی کودک واژگانی مانند kid، infant، baby، child و... است که به معنای زیر به کار رفته است. (وارسته، ۱۳۸۶: ۹۲۹)

۱. شخصی که بین مرحله تولد و بلوغ قرار دارد.

۲. شخصی که به سن قانونی و یا بلوغ نرسیده باشد.

کودک در حقوق کیفری افغانستان به کسی گفته می‌شود که ۱۸ سال را تکمیل نکرده باشد. چنان‌که در ماده ۹۵ کود جزای مصوب ۱۳۹۵ مقرر می‌دارد: «طفل به شخصی اطلاق می‌گردد که هیجده سال را تکمیل نکرده باشد.

## ب. بزه‌دیدگی جسمانی کودکان

بزه‌دیدگی کودکان از لحاظ جسمی به دو مرحله قابل تقسیم است: مرحله قبل از تولد و مرحله بعد از تولد. شاید سوال شود که واژه کودک به انسانی اطلاق می‌شود که به دنیا آمده باشد و بر جنینی که در شکم مادر است اطلاق کودک درست نیست و شما برچه اساس واژه کودک را بر جنین سرایت می‌دهید؟ در پاسخ می‌توان گفت: کودک برای تکامل و رشد خود مراحلی را پشت سر می‌گذارد که یکی از آن مراحل دوره زندگی جنینی کودک می‌باشد؛ بنابراین اطلاق کودک بر جنین اشکال ندارد (پیوندی، ۱۳۹۰: ۵۲ و ۵۳) برای تعیین محدوده زمانی دوره کودکی، از ملاک تکوینی نیز می‌توان بهره جست، خداوند متعال در قرآن انسان را از لحاظ قوت و ضعف به سه مرحله تقسیم کرده است: «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَ شَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَ هُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ» «خداوند همان کسی است که شما را آفریده در حالی که ضعیف بودید، سپس بعد از ناتوانی قوت بخشید و باز بعد از قوت ضعف و پیری قرار داد او هرچه بخواهد می‌آفریند و اوست دانای توانا» (روم/ ۵۴) بر این اساس، ملاک کودکی نه واژگانی هم‌چون طفل بلکه ضعف و ناتوانی اولیه است. واژه ضعف اطلاق دارد شامل ضعف جسمی، روحی و عقلی می‌شود. بر این اساس دوره کودکی پیش از زمان خروج از رحم مادر را نیز در بر می‌گیرد و در روایات نیز بحث از کودک را به پیش از دنیا آمدن او گسترش داده‌اند؛ مثلاً از امام صادق سوال شد: «الْمَرْءُ تَمُوتُ وَ يَتَحَرَّكُ الْوَلَدُ فِي بَطْنِهَا أَبَشَقَ بَطْنِهَا وَ يَخْرُجُ الْوَلَدُ؟ قَالَ: فَقَالَ: نَعَمْ وَ يُخَاطُ بَطْنِهَا»؛ سائل از امام صادق<sup>(ع)</sup> سوال می‌کند «زن می‌میرد و بچه در شکم او حرکت می‌کند آیا می‌شود شکم او را شکافت و بچه را خارج کرد؟ فرمود آری و شکم مادر را بعد از این کار بدوزند. (کلینی، ج ۳، ۱۴۰۷: ۲۰۶) چنان‌که مشاهده می‌کنید امام صادق<sup>(ع)</sup> در این روایت به جنینی که در شکم مادر است نیز (ولد) اطلاق کرده‌است پس می‌توان دوره کودکی را به قبل از تولد نیز سرایت داد (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۱: ۲۰-۲۱)

## ۱. بزهدیدگی جسمانی کودکان در مراحل جنینی (قبل از تولد)

### ۱.۱. سقط جنین

#### ۱.۱.۱. مفهوم سقط جنین

جنین از نظر لغوی به مرده در قبر، هرچیزی پوشیده و مستور و بجهی که در شکم مادر باشد، اطلاق می‌شود (دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۵، ۷۸۸۵) سقط جنین در لغت به معنای بچه ناتمام از شکم افتاده، بچه انداختن، بچه افگندن و بچه انداختن پیش از زمان آمده‌است. بنابراین، خروج بچه پیش از موعد مقرر را سقط جنین می‌گویند. (ابن منظور، ۱۴۴۱: ۹۲) در معجم المصطلحات و الالفاظ الفقهیه آمده‌است: «والسقط (بتثلیث السین) الجنین ذکرا کان أو أنثی، یسقط قبل تمامه.» (عبدالرحمان، [بی‌تا]: ۲۷۷) در معجم مقائیس اللغه آمده‌است: «السقط: الولد یسقط قبل تمامه وهو بالضم والفتح والکسر» (ابن فارس، ج ۳، ۱۴۰۴: ۸۶)

در اصطلاح حقوق، از سقط جنین تعاریف مختلف ارائه شده‌است: برخی از حقوق‌دانان سقط جنین را این‌گونه تعریف کرده‌است «اخراج عمدی یا خطایی جنین یا حمل در یکی از مراحل حیات جنینی یا حیات قابل زیستن مشروط به اینکه جنین یا حمل تلف شود یا قابل زیستن نباشد.» (ولیدی، ج ۲، ۱۳۷۴: ۱۲۱) در تعریف دیگر آمده‌است: «سقط جنین عبارت است از: اقدام به خروج غیرطبیعی حمل قبل از موعد طبیعی وضع حمل به وسیله‌ی مادر یا غیر او به نحوی که حمل خارج شده از بطن مادر زنده نبوده یا فاقد قابلیت زیستن باشد.» (نوری، ۱۳۷۱: ۴۷) در بند ۱ ماده ۵۶۹ کود جزای افغانستان مصوب ۱۳۹۵ سقط جنین را چنین تعریف کرده‌است: «شخصی که عمداً جنین زن حامله را از بین ببرد یا آن را قبل از موعد طبیعی تولد بیرون آورد، مرتکب جرم اسقاط جنین می‌گردد.»

#### ۲.۱.۱. سقط جنین در حقوق کیفری افغانستان

سقط جنین از منظر فقهی - حقوقی و طبی بر سه دسته تقسیم می‌شود: سقط جنین طبیعی، درمانی و جنایی (محقق داماد، ۱۳۹۱: ۲۲۸) در این مقاله فقط سقط جنین جنایی از

منظر حقوق کیفری افغانستان مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. سقط جنین جنایی در کود جزای افغانستان از ماده ۵۶۹-۵۷۳ مورد بحث و بررسی قرار گرفته به‌عنوان مثال: دربند ۱ ماده ۵۶۹ کود جزا آمده‌است «شخصی که عمداً جنین زن حامله را از بین ببرد یا آن را قبل از موعد طبیعی تولد بیرون آورد، مرتکب جرم اسقاط جنین می‌گردد» و در ماده ۵۷۰ قانون مذکور مقرر می‌دارد: «شخصی که عمداً جنین زن حامله را از طریق ضرب یا هر نوع اذیت دیگر اسقاط نماید، به حبس طویل تا هفت سال، محکوم می‌گردد» این ماده ناظر به افراد غیرمتخصص و غیرحرفه‌ای است که اتفاقاً در نزاع یا حادثه‌ای عمداً موجب سقط جنین می‌گردد و معمولاً این جرم همراه با خشونت است. ماده ۵۷۱ که از چهاربند متشکل است، دربند ۱ مقرر می‌دارد: /شخصی که عمداً به‌وسیله دادن ادویه یا استعمال سایر وسایل که موجب اسقاط جنین شود، گرچه اسقاط جنین به رضایت زن صورت گرفته باشد، به حبس متوسط، محکوم می‌گردد. این بند نیز سقط جنین به‌وسیله افراد غیرمتخصص را بیان می‌کند. در بند ۲ ماده مذکور آمده است: هرگاه اسقاط کننده، طیب، جراح، دواساز، یا قابله باشد، مرتکب به حبس متوسط بیش از دو سال، محکوم می‌گردد. بند مذکور حکم سقط جنین توسط افراد متخصص را بیان می‌کند.

در ماده ۵۷۲ کود جزا آمده است: «هرگاه زن حامله با وجود علم به نتیجه عمل عمداً به خوردن ادویه یا استعمال دیگر وسایل راضی شود و یا خود عمداً به این عمل مبادرت یا به شخص دیگری اجازه استعمال و وسایل متذکره را بدهد و به اثر آن اسقاط جنین واقع گردد، به حبس قصیر یا جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی، محکوم می‌گردد». براساس این ماده اگر جرم سقط جنین توسط مادر و یا به رضایت او توسط شخص دیگر انجام شود، مادر به حبس قصیر و جزای نقدی سی هزار تا شصت هزار افغانی محکوم می‌شود.

## ۲.۱. جنین آزاری

جنین آزاری امروزه از جمله آسیب‌های اجتماعی شایع در جامعه به شمار می‌آید؛ زیرا این پدیده باعث آسیب به جسم و روان کودک می‌گردد و هم‌چنان زیان‌های

اجتماعی و اقتصادی را در پی دارد، گرچه امروزه باتوجه به پیشرفت علم پزشکی، حمایت از سلامت جنین بیش از هر زمان دیگری مورد توجه نهادهای سلامت و قانون-گذاری قرار گرفته است، ولی نسبت به جنین آزاری و رفتارهایی که باعث آسیب به جنین می‌شود آن‌طوریبی که باید مورد توجه سیاست‌گذاران و کنش‌گران نظام عدالت کیفری قرار می‌گرفت، قرار نگرفته است. به‌استثنای سقط جنین که در اکثر نظام‌های کیفری دنیا مورد جرم‌انگاری قرار گرفته است، در قبال سایر رفتارهایی که موجب آسیب به جنین می‌گردد، جرم‌انگاری مستقلی تحت عنوان جنین آزاری به چشم نمی‌خورد.

### ۱.۲.۱. تعریف جنین آزاری

جنین از منظر لغوی قبلاً بیان شد اما آزار در لغت به معنای؛ عذاب، شکنجه، رنج، اذیت، تعب و مشقت آمده است. (معین، ۱۳۸۵: ۱۴) در اصطلاح؛ جنین آزاری عبارت است از رفتارهایی که خواسته و یا ناخواسته موجبات آسیب‌هایی به سلامت جنین را فراهم می‌آورند (مشکات و صلاحی، ۱۳۹۷: ۴۰) هرگونه حمله و ضرب فیزیکی مادر، شریک زندگی و یا شخص دیگر بر جنین، غفلت و عدم حفاظت جنین از مواد شیمیایی، مصرف الکل، سیگار و سایر داروها و هم‌چنان اهمال از دریافت مراقبت‌های دوران بارداری به نوع جنین آزاری است (ازگلی و دیگران، ۱۳۹۵: ۲)

### ۲.۲.۱. جنین آزاری در قوانین افغانستان

جنین آزاری با این‌که از اهمیت خاص برخوردار است زیرا آسیب‌های دوره جنینی گاهی باعث مرگ و نابودی جنین می‌شود و گاهی به‌گونه‌ای است که تا آخر زندگی دامن‌گیر کودک است مانند نقص عضو، کاهش هوش یادگیری و... با این اوصاف، حقوق کیفری افغانستان رویکرد مناسبی را در قبال پدیده جنین آزاری اتخاذ نکرده است. در قوانین افغانستان گرچه به حقوق و حفاظت از سلامت و رشد سالم جنین پرداخته شده است، مثلاً در ماده ۲۳ قانون صحت عامه آمده است که وزارت صحت عامه به‌منظور حمایت از سلامت مادر و طفل، باید مؤسسات خدمات صحتی و مراکز حمایتی ایجاد کند و هم‌چنان زنان باردار را مورد معاینه قرار دهد تا از صحت آنان مطمئن شود، رشد



سالم جنین را مورد توجه قرار دهد و خانواده‌ها را در راستای مراقبت از کودک قبل از تولد و بعد از تولد راهنمایی نماید. در ماده ۲۶ و ۲۷ قانون حمایت حقوق طفل نیز به حفاظت و رشد سالم جنین و عدم جواز سقط جنین پرداخته است به‌عنوان مثال در ماده ۲۷ قانون مذکور مقرر می‌دارد: «وزارت‌ها و ادارات دولتی ذی‌ربط مکلف‌اند، به‌منظور رشد و حفاظت از جنین، تولد سالم طفل و حمایت از صحت مادر تدابیر مالی و صحتی لازم را اتخاذ نمایند» اما جنین آزاری به‌استثنای سقط جنین جرم‌انگاری نشده است. به نظر نگارنده با توجه به اهمیت جنین آزاری لازم است این عمل به‌صورت مستقل تحت عنوان جنین آزاری جرم‌انگاری شود.

## ۲. بزه دیدگی جسمانی کودک بعد از تولد

جرائم علیه جسم کودک با توجه به عنصر معنوی اش به سه نوع عمدی، شبه عمد و خطای محض تقسیم می‌شود و برخی حقوق‌دانان به چهار نوع عمدی، شبه عمد، خطای محض، خطای همراه با تقصیر (در حکم شبه عمد) تقسیم نموده‌اند (آقایی‌نیا، ۱۳۸۵: ۲۱۶) با توجه به اینکه ضرب، جرح و قتل با تمام انواعش در کتب، مقالات و پایان‌نامه‌ها مورد بحث و بررسی قرار گرفته و همچنین به‌خاطر اختصار فقط جرائم عمدی علیه جسم کودک در این گفتار مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

### ۱.۲. قتل عمدی کودک

قتل یا سلب حیات از یک انسان زنده، بزرگ‌ترین جنایتی است که بر علیه افراد ارتکاب می‌یابد و حیات آدمی را دچار مخاطره می‌سازد. در دین اسلام برخی از اعمال و رفتار انسان‌ها گناه دانسته شده است که بخشی از آن‌ها با صفت کبیره توصیف و از سایر گناهان به‌خاطر این صفت متمایز می‌گردد، از میان گناهان کبیره چند مورد را که در قرآن ذکر شده‌اند، گناهان کبیره درجه یک به‌حساب آورده‌اند. این گناهان کبیره به ترتیب اهمیت و همان ترتیبی که خداوند آن‌ها را در قرآن ذکر کرده است عبارت‌اند از: شرک به خدا، سوءرفتار با پدر و مادر، قتل فرزند و... (انعام/ ۱۵۱-۱۵۳) در قرآن کریم آیات متعدد در زمینه نهی از قتل آمده است که می‌توان در دو بخش بیان و بررسی کرد:

۱. آیاتی که در مقام نهی از قتل به صورت عام است و براساس این آیات فرق نمی‌کند که قاتل اهل خانواده باشد و یا غیر و هم‌چنان تفاوت ندارد که مقتول کودک باشد و یا بزرگسال پس مورد بحث ما که بزه‌دیدگی جسمی کودکان است نیز شامل می‌شود. خداوند متعال در قرآن مجید می‌فرماید: «مِنْ أَجْلِ ذَٰلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَن قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا»؛ براساس این آیه مبارکه، کشتن به ناحق یک انسان گناهی بزرگ و دارای مجازات بسیار سنگین بوده و در نزد خداوند به منزله کشتن همه مردم است. (مائده/ ۳۲)

۲. آیاتی که در مقام بیان نهی از قتل فرزند است. این آیات ارتباطش با موضوع بحث روشن است؛ زیرا موضوع بحث در این فصل بزه‌دیدگی جسمانی کودکان در محیط خانواده است که مصداق کاملش ارتکاب جرایم توسط والدین علیه فرزندان شان است. قرآن کریم در آیات زیادی از فرزند کشی نهی کرده است به‌عنوان مثال خداوند در سوره انعام می‌فرماید: «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ أَمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ...»؛ فرزندان خود را به‌خاطر ترس از فقر و تنگ‌دستی نکشید زیرا خداوند هم به شما و هم به فرزندانان روزی می‌دهد. (انعام/ ۱۵۱) آیات و روایات زیادی دیگر نیز در این زمینه وجود دارد که این متن گنجایش بحث آن را ندارد. لذا از ذکرش خودداری می‌گردد. با توجه به آیاتی که ذکر شد هیچ نظام حقوقی و اجتماعی به‌اندازه‌ی نظام حقوق اسلام به حیات انسان و سلب حیات انسان و مجازات قاتل اهمیت نداده است.

جرم قتل عمد در مواد ۵۴۶-۵۵۱ کود جزای افغانستان مورد توجه قرار گرفته است: به‌عنوان مثال در فقره ۱ ماده ۵۴۶ قتل عمد را این‌گونه تعریف کرده است: «قتل عمد عبارت است از بین بردن حیات شخص زنده دیگر با داشتن قصد قتل» در ادامه در فقره ۱ ماده ۵۴۷ آمده است: مرتکب قتل عمد در یکی از حالات ذیل به اعدام یا حبس دوام درجه ۱ محکوم می‌گردد. ۱. در حالتی که قتل با برنامه‌ریزی قبلی و ترصد همراه باشد. ۱. در حالتی که قتل با استعمال مواد سمی کشنده یا مواد انفجاری یا حریق صورت گرفته باشد.

۲. در حالتی که قتل با انگیزه دنی یا در برابر اجرت و یا با شکنجه و آزار و اذیت صورت گرفته باشد.

۳. اگر مقتول از اصول قاتل باشد.

قتل عمد در قوانین کیفری افغانستان به صورت عام مطرح شده، فرق نمی کند که قاتل غیر باشد یا اهل خانواده و نزدیکان و هم چنان فرق نمی کند که مقتول بزرگسال باشد یا کودک، حمایت ویژه نسبت به کشته شدن عمدی کودکان در قوانین کیفری افغانستان در نظر گرفته نشده است.

## ۲.۲. ضرب و جرح عمدی کودک

### ۱.۲.۲. تعریف ضرب و جرح عمدی

ضرب و جرح به لحاظ مفهومی با هم متفاوت است؛ ضرب در لغت به معنای زدن، مثل، شکل، نوع و صنف از چیزی آمده است. (عمید، پیشین: ۷۰۷) اما در اصطلاح ضرب به صدماتی اطلاق می گردد که بدون ازهم گسیختگی ظاهری نسجی و جاری شدن خون ایجاد می گردد. تورم، کوفتگی، سرخی، کبودی، سیاه شدگی، پیچ خوردن مفاصل بدون شکستگی و تجمع خون در بافتها و خون مردگی که به صورت کبودی یا سیاه شدگی تظاهر می کند، آثار ضرب اند. (گودرزی و کیانی، ۱۳۸۴: ۲۰۱)

جرح در لغت به معنای زخم زدن، خستگی، بد گفتن، ساقط کردن، باطل کردن شهادت و رد کردن گواهی گواهان آمده است (عمید، پیشین: ۳۷۱) اما در اصطلاح پزشکی قانونی جرح به مواردی گفته می شود که بافت های بدن ازهم گسیخته شده و اغلب با خونریزی توأم اند. مانند پوست رفتگی، خراشیدگی، پارگی، بریدگی سطحی و عمیق توأم با آسیب پرده ضریع (پرده نازک روی استخوان) یا همراه با شکستگی و آسیب مختصر تا شدید احشایی یا صدمه مغزی. (گودرزی و کیانی، پیشین: ۲۰۱)

### ۲.۲.۲. جرم ضرب و جرح عمدی در حقوق کیفری افغانستان

جرم ضرب و جرح، در مواد ۵۷۵ - ۵۸۵ کود جزا مورد توجه قرار گرفته است. به عنوان مثال در ماده ۵۷۵ کود جزا ضرب و جرح را تعریف شده است؛ در بند ۱ ماده مذکور آمده است: «ضرب: وارد کردن صدمه به بدن است که سبب تورم یا کبودی یا پیچ

خوردن مفاصل بدون شکستگی آنها یا خون‌مردگی یا خون‌ریزی داخلی در بدن شود و با قطع نسج و جاری شدن خون از بدن همراه نباشد» و در بند ۲ ماده مذکور آمده است: «جرح: وارد کردن زخم به بدن است که سبب خراشیدگی، یا بریدگی یا پارگی یا قطع عضو یا سوختگی یا شکستگی آن شود و توأم با قطع نسج و خون‌ریزی بیرونی باشد» و در ادامه در فقره ۱ ماده ۵۷۶ آمده است «شخصی که عمداً دیگری را طوری مجروح یا مضروب نماید که سبب از کار افتادن عضوی از اعضای بدن یا منجر به معلولیت یا از بین رفتن یکی از حواس وی به‌طور دائمی گردد، به حبس طویل تا ده سال محکوم می‌گردد» در این فقره حکم صورتی از جرح و ضرب بحث می‌شود که باعث قطع و یا نقصان دائمی عضوی از اعضا گردد مثلاً شخصی دست دیگری را قطع نماید، چشم کسی را نابینا نماید و یا گوش کسی را ناشنوا نماید براساس این فقره مجازاتش ده سال حبس است.

در فقره ۲ آمده است: «شخصی که عمداً دیگری را طوری مجروح یا مضروب کند که سبب زایل شدن عقل مجنی‌علیه گردد، به حبس طویل بیش از ده سال محکوم می‌گردد» و در فقره سه آمده است: «هرگاه عمل مندرج فقره (۱) این ماده سبب معلولیت دائمی نگردد، مرتکب به حبس متوسط تا دو سال، محکوم می‌گردد» و در ماده ۵۷۷ آمده است: «هرگاه ضرب یا جرح سبب معلولیت و از کار افتادن عضو نشده و سبب ناتوانی از کار گردد، مرتکب با نظر داشت مدت قرار ذیل مجازات می‌گردد»:

۱. در صورتی که منجر به ناتوانی از کار تا یک هفته گردد، به جزای نقدی از پنج هزار تا پانزده هزار افغانی.

۲. در صورتی که منجر به ناتوانی از کار بیش از یک هفته تا یک ماه گردد، به جزای نقدی از پانزده هزار تا سی هزار افغانی.

۳. در صورتی که منجر به ناتوانی از کار بیش از یک ماه تا سه ماه گردد، به حبس قصیر.

۴. در صورتی که منجر به ناتوانی از کار برای مدت بیش از سه ماه گردد، به حبس متوسط تا دو سال. در این ماده جرم ضرب و جرح به‌صورت عام مطرح شده زیرا در صدر فقره ۱ و ۲ ماده مذکور آمده است (شخصی که عمداً دیگری را ...) لفظ شخص و

دیگر، عام است می‌تواند مراد از شخص ضارب و جرح، والدین و نزدیکان کودک باشد یا بیگانگان و هم چنین لفظ (دیگر) بر کودک صدق می‌کند و هم بزرگ سالان. براساس ماده ۵۷۸ ارتکاب ضرب یا جرح در یکی از حالات ذیل مشدده شناخته شده، مرتکب به حداکثر مجازات جرم ارتكابی، محکوم می‌گردد.

۱. در حالتی که عمل فاعل با اصرار قبلی و ترصد همراه باشد.

۲. در حالتی که مجنی علیه از جمله اصول، فروع، استاد، شاگرد، همسر یا شخص دیگر تحت حمایت یا سرپرستی فاعل باشد.

۳. در حالتی که عمل با استفاده از ضعف جسمی مجنی علیه صورت گرفته باشد.

۴. در حالتی که عمل توسط بیش از یک نفر صورت گرفته باشد.

۵. در حالتی که از سلاح استفاده صورت گرفته باشد.

در فقره ۲ ماده ۵۷۸ قانون‌گذاران افغانستانی به نحوی حمایت کیفری از کودک نموده‌اند؛ زیرا در فقره مذکور مقرر می‌دارد، در صورت که بزه‌دیده از فروع ضارب و جرح باشد مجازات سنگین‌تری را به دنبال دارد و مصداق کامل فروع فرزند است فرق نمی‌کند که فرزند کبیر باشد یا صغیر هر دو را شامل می‌شود، در نتیجه یکی از موارد که مجازات سنگین‌تری را به دنبال دارد صورتی است که والدین بر فرزند صغیرش ضرب و جرح وارد نماید و هم‌چنان مورد دیگری که مجازات سنگین‌تری به دنبال دارد صورتی است که مجرم با استفاده از ضعف جسمی مجنی علیه، بر وی ضرب و جرح وارد نماید این فقره نیز کودک را شامل می‌شود؛ چون کودک از نگاه جسمی ضعیف است، لذا اگر کسی از ضعف جسمی کودک سوءاستفاده نموده و ضرب و جرح بر وی وارد نماید، مجازاتش سنگین‌تر است فرق نمی‌کند که جانی اهل خانواده باشد یا غیر. در هر صورت حمایت ویژه از کودکان در برابر جرم ایراد ضرب و جرح بر کودک توسط والدین و نزدیکان کودک در قوانین کیفری افغانستان، پیش‌بینی نشده است.

هم‌چنان که در ماده ۱ کود جزا مصوب ۱۳۹۵ آمده است که این قوانین فقط جرایم و جزاهای تعزیری را تنظیم می‌کند و مرتکب جرایم حدود، قصاص و دیات مطابق

احکام فقه حنفی مجازات می‌گردد در این مواد که از کود جزا در مورد ضرب، جرح استناد شد، فقط مجازات‌های تعزیری بیان شده و الا طبق فقه اسلامی تمام جراحات‌ها و قطع عضو، قصاص و دیه را به دنبال دارد مگر تعداد محدودی که در فقه برای آن قصاص و دیه در نظر گرفته نشده منتهی مرتکب باید ارش به شخص مضروب و مجروح بدهد، لذا نسبت به قصاص و گرفتن دیه از مرتکب این جرایم، مطابق فقه حنفی عمل می‌شود.

### ۳. تنبیه بدنی کودک

تنبیه در لغت به معنای، بیدار کردن، واقف کردن بر چیزی، آگاه و هوشیار نمودن، ملامت و سرزنش، سیاست و عقوبت آمده است و مجازاً در عرف به معنای زدن استعمال می‌شود. (دهخدا، پیشین: ج ۵، ۷۰۱۳) تنبیه بدنی عملی است که به عنوان عقوبت بر بدن کودک وارد می‌شود. (حسینی خواه، ۱۳۸۹: ۴۳) در اصطلاح بنا بر تعریفی که از سوی کمیته حقوق کودک ارایه شده است، عبارت است از «هرنوع مجازات یا تنبیهی که در آن نیروی فیزیکی و جسمی به کار گرفته شده و به انگیزه ایجاد درد و ناراحتی \_ هرچند سبک و خفیف - صورت گرفته باشد.» (همان، ۴۴)

کودکان همانند انسان کامل، از کرامت و شرافت انسانی برخوردارند. کودکان امانت-های الهی نزد والدین و جامعه هستند و سزاوار مراقبت و پرورش نیکویند. این قشر آسیب‌پذیر، نیازمند شرایط مساعد و محیط امن و مناسب برای رشد و شکوفایی هستند از این رو، کشورها به منظور حمایت از کودکان تمام رفتارهای خشن و مضر به حال کودکان را ممنوع و جرم پنداشته است که از جمله‌ای این رفتارهای خشن و مضر، تنبیه بدنی کودکان است. روش اسلام نیز در تربیت کودکان، در مرحله اول محبت، پند و نصیحت کودکان است و در صورت سودمند واقع نشدن رفق و محبت تنبیه بدنی آن‌هم به صورت محدود و در موارد خاص مجوز دارد. (پاکدامن و دیگران، ۱۳۹۰: ۸۴)

در کود جزای افغانستان نیز تنبیه بدنی کودکان جرم‌انگاری شده است به عنوان مثال در ماده ۶۱۲ کود مذکور مقرر می‌دارد: «۱- شخصی که طفل را مورد لت و کوب، تعذیب یا بد رفتاری قرار دهد، اما منجر به جراحت یا معلولیت وی نگردد، به حبس

قصیر، محکوم می‌گردد. ۲. شخصی که جرم مندرج فقره‌ای (۱) این ماده را به صورت مکرر مرتکب گردد، به حداکثر حبس قصیر، محکوم می‌گردد. ۳. هرگاه مرتکب مندرج فقره‌ای (۱) این ماده سرپرست قانونی طفل باشد، به حبس متوسط تا دو سال، محکوم می‌گردد.» بر اساس این ماده فرق نمی‌کند که مرتکب جرم والدین و نزدیکان کودک باشد یا بیگانگان؛ زیرا در صدر فقره ۱ و ۲ این ماده آمده است (شخصی ... و شخص عام است هم اشخاص بیگانه را شامل می‌شود و هم والدین و نزدیکان کودک را و براساس فقره ۳ این ماده اگر سرپرست قانونی کودک، این جرم را مرتکب شود مجازاتش سنگین‌تر است.

### ج. بزه دیدگی جنسی کودکان

در جوامع امروزی با این‌که مردم از نظر علمی و صنعتی با سرعت پیش‌رفت و راه صعود را می‌پیمایند و هرروز بیش‌تر به رمز و راز زندگی در عالم طبیعت پی می‌برند؛ اما از لحاظ اخلاقی با سرعت حیرت‌انگیز به طرف سقوط و انهدام فرهنگ‌ها و اخلاقیات روانند. امروزه اگر به اخبار و جراید نگاه بیندازیم و تحقیقاتی که در زمینه جرایم جنسی صورت گرفته دقت نماییم، جرایم جنسی به مراتب بیش‌تر از جرایم دیگر، سایه شوم خود را بر سر بشریت گسترده است، حتی در برخی از کشورهای صنعتی و پیش‌رفته با نهایت وقاحت جرایم مانند هم‌جنس‌بازی نه‌تنها جرم دانسته نشده و مورد تقبیح قرار نگرفته بلکه یک امر مجاز و ازدواج دو هم‌جنس قانونی شده است. مجرمان جنسی با استفاده از ضعف و بی‌اطلاعی اطفال به این‌گونه جرایم زشت و فجیع رو می‌آورند، با این‌که رقم سیاه این جرایم خیلی بالا است چون بزه‌دیدگان این جرایم کودکان است که توانایی افشای این جرایم را ندارند اما با این حال براساس برخی از گزارش‌ها تخمین زده می‌شود که تقریباً یک میلیون کودک، غالباً دختر هر سال به این تجارت چند میلیارد دلاری کشانده می‌شوند. در هند سالانه ۴۰۰۰۰۰ زن و کودک، در آمریکا بین ۲۴۴۰۰۰ تا ۳۲۵۰۰۰ نفر، در تایلند ۲۰۰۰۰۰ نفر، در اروپای شرقی و مرکزی ۱۷۵۰۰۰ نفر، در برزیل ۱۰۰۰۰۰ نفر، در آفریقای غربی ۳۵۰۰۰ نفر استثمار جنسی

می‌شوند (گزارش یونسف، ۱۹۹۴: ۱) بزه‌دیدگی جنسی کودکان به انواعی مانند بدرفتاری جنسی، تعرض جنسی، زنا با محارم، تجاوز و روسپیگری کودکان تقسیم می‌شود. آزار جنسی توسط افراد خانواده، آشنایان و به ندرت توسط افراد غریبه صورت می‌پذیرد. (مدنی، ۱۳۹۰: ۱۷) بزه‌دیدگی جنسی کودکان در این مبحث در قالب دو گفتار تحت عنوان جرایم منافی عفت علیه کودک و بهره‌گیری از کودکان در فعالیت مجرمانه جنسی بررسی می‌گردد.

## ۱. جرایم منافی عفت علیه کودک

### ۱.۱. زنا با کودک

یکی از جرایم جنسی که علیه اطفال ارتکاب می‌یابد، زنا است. زنا از جمله زشت‌ترین اعمال منافی عفت و مختل کننده نسل بشری در نظام اجتماعی است. در قوانین کشورها به صورت متفاوت مورد بحث و بررسی قرار گرفته است؛ برخی از کشورها زنا را به طور مطلق جرم دانسته‌اند اعم از این که با رضایت باشد و یا با عنف. برخی کشورها زنا را به طور مقید و فقط در صورتی جرم دانسته‌اند که با عنف باشد. بهتر است برای واضح شدن بحث در ابتدا زنا تعریف شود؛ علامه حلی در شرح تبصره در تعریف زنا چنین گفته است: زنا عبارت است از نزدیکی با زنی در صورتی که عقد مزاجت اعم از دایمی یا انقطاعی یا شبهه عقد و یا ملک یمین در بین نبوده باشد. (حلی، ج ۳، ۱۳۳۹: ۳۹۵)

در ماده ۶۴۳ کد جزای افغانستان زنا این‌گونه تعریف شده است: زنا عبارت از مقاربت جنسی زن و مردی است که بین آن‌ها رابطه زوجیت موجود نباشد.

زنا با کودک عبارت است از این که شخص مذکری اعم از (بالغ و نابالغ) آلت تناسلی خود را به قدر حشفه، در آلت تناسلی دختر صغیره داخل سازد، بدون این که رابطه عقدی در میان آن دو بوده باشد (اعم از عقد دائم یا موقت) هم‌چنین دختر در ملکیت شخص مذکر نبوده و به او تحلیل نشده و شبهه‌ای نیز در میان نبوده باشد. (بیگی، ۱۳۸۴: ۲۱۷)



در حقوق کیفری افغانستان فقط حکم زناى تعزیری بیان شده است، در ماده ۴۲۶ قانون جزا آمده است: «هرگاه در جرم زنا شرایط تطبیق جزای حد موجود نگردد یا به علت شبهه و یا یکی از اسباب دیگر حد ساقط گردد مرتکب مطابق به احکام مندرج این فصل مجازات می گردد.» در تبصره ۲ ماده ۶۴۳ کود جزا عین این مطلب آمده است. حکم زناى حدی چنان که در ماده ۱ قانون جزا و ماده ۲ کود جزا آمده است مطابق فقه حنفی مشخص می شود.

چنان که بحث شد زنا به دو صورت ارتکاب می یابد فرقی نمی کند که بزه دیده کودک باشد و یا بزرگسال:

۱. با رضایت: شخص زانی با پول، فریب و... رضایت بزه دیدگان را به عمل زنا وامی دارد که در ماده ۶۴۴ کود جزا به این امر پرداخته شده است. در این ماد آمده است: (۱) در حالت زناى تعزیری، شخص قرار ذیل مجازات می گردد: ۱. در صورتی که متأهل باشد به حبس متوسط بیش از دو سال ۲. در صورتی که متأهل نباشد، به حبس متوسط تا دو سال. (۲) هرگاه اشخاص مندرج اجزای ۱ و ۲ فقره (۱) این ماده از جمله مجرمات دایمی یا موقتی یا مربی، معلم یا آمر یکدیگر بوده یا به نحوی از انحا بالای یکدیگر نفوذ و اختیار داشته باشند، به حبس طویل تا هفت سال، محکوم می گردد. گرچه به طور صریح در این ماده به رضایت مزنی علیه اشاره نشده ولی با توجه به این که در کود جزا زنا به صورت عنف تحت عنوان جداگانه مورد بحث و بررسی قرار گرفته است به دست می آید که در این ماده مراد زناى با رضایت است، منتهی از منظر کود جزای افغانستان رضایت کودک اعتبار ندارد حتی اگر کودک راضی به زنا باشد باز هم زانی متجاوز به حساب می آید و مجازات زانی همان مجازات متجاوز است. چنان که در ماده ۶۳۸ کود جزا آمده است: «هرگاه مردی با شخص زیر سن قانونی مقاربت جنسی را انجام دهد، عمل وی تجاوز جنسی شناخته شده و رضایت مجنی علیه قابل اعتبار نمی باشد».

۲. زناى بدون رضایت (تجاوز به کودک): در ماده ۶۳۶ کود جزا تجاوز جنسی این گونه تعریف شده است: «شخصی که با جبر یا سایر وسایل ارعاب آمیز یا تهدید یا با استفاده از ناتوانی جسمی یا روانی مجنی علیه یا ناتوانی ابراز رضایت مجنی علیه اعم از زن یا مرد

یا خوراندن دوی بیهوش کننده یا سایر وسایل زایل کننده عقل به وی، عمل مقاربت جنسی را انجام دهد یا اعضای بدن یا اشیایی دیگر را در قبل یا دبر وی داخل نماید، مرتکب تجاوز جنسی شناخته می‌شود». این ماده عام است شامل تمام افراد می‌شود که مورد تجاوز قرار گرفته است فرق نمی‌کند که بزرگسال باشد و یا کودک، مجازاتش براساس ماده ۶۳۷ حبس طویل است. در ماده ۶۳۹ کود مذکور به مصادیق مشدده جرم تجاوز جنسی پرداخته شده است که از جمله این مصادیق صوری است که ۱. مجنی علیه طفل باشد. ۲. مرتکب به نحوی بالای مجنی علیه نفوذ و اختیار داشته باشد. ۳. مجنی علیه از جمله محارم دایمی یا موقتی متجاوز باشد این صور به‌طور صریح موضوع بحث را بیان می‌کند. بنابراین، اگر در محیط خانواده افراد خانواده مانند پدر، برادر، عمو، دایی، شوهرخواهر و... با دختر، خواهر، دختر برادر، دختر خواهر، خواهر خانم نابالغش زنا نماید، مجازاتش حبس دوام درجه ۲ است.

### ۲.۱. لواط با کودک

یکی از زشت‌ترین و زیان‌بارترین جرایمی که نسل بشری را تهدید می‌کند و زمینه فروپاشی خانواده را فراهم کرده و جامعه را به طرف نابودی سوق می‌دهد، جرم لواط است. از این رو، در فقه اسلامی کیفرهای سنگین و سخت برای آن در نظر گرفته است. افراد منحرف با استفاده از ضعف نفس کودکان و با ابراز محبت به آنان توجه کودکان را به خود جلب می‌کنند به‌گونه‌ای که کودکان طرد شده برای تسکین آلام درونی خود به اشخاص منحرف پناه برده و در نتیجه مورد تجاوز قرار می‌گیرند. اختلالات روانی، بیکاری، بی‌سرپرستی، عدم تفریحات سالم و وجود خانواده‌های متشنج و از هم‌گسیخته از جمله عوامل مؤثر در این نوع از بزه‌دیدگی کودکانند، از امام صادق<sup>(ع)</sup> در مورد حرمت لواط نقل شده است: «حرمت لواط از زنا شدیدتر است؛ زیرا خداوند قومی را برای عمل لواط هلاک فرمود ولی کسی را برای زنا هلاک نفرموده است.» (حرعاملی، بی‌تا: ۲۴۹) امام علی<sup>(ع)</sup> نیز می‌فرمایند: «اگر سزاوار بود کسی دوبار سنگسار شود، هرآینه لواط کننده این چنین سنگسار می‌شد.» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۷، ۱۹۹) مذاهب اربعه نیز حکم به حرمت لواط داده است منتهی در این‌که جرم لواط از جرایم حدی است یا تعزیری بین مذاهب

اسلامی اختلاف است، فقهای امامیه، شافعیه، مالکیه و حنابله جرم لواط را از جرایم حدی می‌دانند. (موسوی خویی، ۱۴۲۲: ۲۷۸-۲۷۹ و الجزیری، ۱۴۲۲: ۱۲۵) در فقه حنفی جرم لواط از جرایم حدی نیست بلکه از جرایم تعزیری است. (همان، ۱۲۶) در ماده ۶۴۶ کود جزای افغانستان لواط این‌گونه تعریف گردیده است: «لواط با دخول اندام تناسلی مرد در دُبر زن یا مرد دیگری به هراندازه‌ای باشد محقق می‌شود».

براساس ماده ۶۴۷ کود جزا مرتکبان جرم لواط، به حبس متوسط تا دو سال، محکوم می‌گردند. اما ارتکاب این جرم براساس ماده ۶۴۸ کود جزا در حالات ذیل مشدده شناخته شده مرتکب به حبس متوسط بیش از دو سال، محکوم می‌گردد:

۱. در صورتی که مرتکب جرم لواط از جمله محارم دایمی یا موقتی باشد.
۲. در صورتی که مرتکب مربی، معلم یا آمر بوده یا به نحوی از انحا بالای مفعول نفوذ و اختیار داشته باشد.

در این صورت‌ها گرچه به بزه‌دیدگی کودک تصریح نشده منتهی عمومیت دارد تمام افرادی که این حالات را داشته باشد شامل می‌شود، از این حیث فرق ندارد که بزه‌دیده بزرگسال باشد یا کودک پس مورد بحث را که بزه‌دیدگی کودکان در محیط خانواده است، هم شامل می‌شود، بنابراین، اگر محارم مانند پدر، برادر، عمو و... با پسر، برادر و پسر برادر خود آن هم در صورتی که کودک باشد لواط نمایند مجازاتش همان حبس بیش از دو سال است و هم‌چنان در ذیل صورت دوم که آمده است «به نحوی از انحا بالای مفعول نفوذ و اختیار داشته باشد» به‌گونه واضح‌تر به مورد بحث ما اشاره دارد چون در محیط خانواده خیلی از افراد بر کودک نفوذ و اختیار دارد مانند پدر، برادر بزرگ، عمو، دایی، پدرخوانده و... بنابراین، اگر این افراد که نفوذ بر کودک دارند از نفوذ و اختیارش سوءاستفاده نمایند و با کودک عمل زشت لواط را انجام بدهند، مجازاتش همان است که بیان شد.

### ۳.۱. تفخیز با کودک

تفخیز در لغت برگرفته از فخذ که به معنای ران است و تفخیز هم به معنای مالیدن ران است (ارجمند دانش، ۱۳۷۸: ۵۵) در اصطلاح: تفخیز با کودک عبارت است از

استفاده‌ای شخص بزرگسال از طفل با مالیدن آلت تناسلی خود به اطراف دبر وی (معاونت آموزش سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰: ۲۹-۲۸) از آنجایی که تفخیز در خصوص جنس مذکر مطرح می‌شود، لذا بزهدیده این جرم تنها اشخاص مذکر می‌توانند باشند.

در قوانین موضوعه افغانستان در ماده ۶۴۵ کود جزا آمده است: «شخصی که با دیگری مرتکب عمل مساحقه یا تفخیز گردد، هریک از مرتکبین به حبس قصیر محکوم می‌گردند». در این ماده، جرم تفخیز به صورت مطلق مطرح گردیده است و هیچ تفاوت بین این‌که بزهدیده در این جرم کودک باشد یا بزرگسال و هم‌چنان بین این‌که مرتکب افراد خانواده باشد یا غیرش، قایل نشده است و هیچ نوع حمایت خاص در قانون موضوعه افغانستان، نسبت به کودک بزهدیده از این جرم به چشم نمی‌خورد، منتهی در فقره ۲ ماده ۶۶۳ کود جزا مقرر می‌دارد: «هرگاه بچه‌بازی منجر به تفخیز یا مساحقه گردد، مرتکب به حداکثر حبس متوسط محکوم می‌گردد». در این فقره گرچه به نحوی از کودک حمایت کیفری صورت گرفته است و مجازات سنگین‌تر برای مرتکب در نظر گرفته است ولی این ماده صورت خاص را مطرح می‌کند که عبارت باشد از منجر شدن بچه‌بازی به تفخیز و سرایت دادن این مورد در تمام موارد تفخیز با کودک خلاف اصل تفسیر مضیق است.

#### ۴.۱. بچه‌بازی

یکی دیگر از زشت‌ترین و قبیح‌ترین عمل، جرم بچه‌بازی است، بچه‌بازی یا پدوفیلی «pedophilie» از ریشه پدوفیلیا «pedophilia» در حقوق روم بوده و از دو کلمه پدو «pedo» به معنای بچه و فیلیا «philia» به معنای دوست داشتن یا عشق ورزیدن تشکیل شده است. پدوفیلی در اصطلاح حقوقی به سوءاستفاده جنسی از کودکان گفته می‌شود و در حقوق جزای بین‌الملل از این انحراف به لذتی که یک شخص بزرگسال از داشتن روابط جنسی با کودکان (اعم از پسر و دختر) می‌برد، تعبیر گردیده است. (نوری، ۱۳۷۹:

بچه‌بازی یک نوع بیماری روانی است که اشخاص مبتلا به این بیماری به جای برقراری ارتباط عادی جنسی با جنس مخالف به سراغ پسران یا دختران کم سن و نوجوان رفته و میل جنسی خود را از راه ارتباط و تماس با آنها ارضا می‌کند. از بچه‌بازی هنگامی می‌توان سخن گفت که فرد مبتلا به این عمل حداقل سنش ۱۶ سال یا بیشتر باشد و بزه‌دیده نیز حداکثر ۱۳ ساله یا کم‌تر باشد. (دادستان، ۱۳۸۲: ۲۱۵) اکثریت قریب به اتفاق بچه‌بازان را مردان تشکیل می‌دهند که برخی از آنان به پسران و بعضی دیگر به دختران تمایل دارند، البته تعداد اندکی نیز در عین حال به پسران و دختران تمایل دارند و هر دو گروه را هدف قرار می‌دهند. (همان، ۲۳۲)

بچه‌بازی در مواد ۶۵۳-۶۶۷ کود جزا مصوب ۱۳۹۵ مورد جرم‌انگاری قرار گرفته است: به‌عنوان مثال در ماده ۶۵۳ بچه‌بازی را تعریف کرده است: «شخصی که طفل مذکر یا مخنث را به‌منظور لذت بردن جنسی یا رقصاندن در محفل عام یا خصوصی نگهداری نماید، یا یکی از اعمال مندرج این فصل را انجام دهد، مرتکب جرم بچه‌بازی شناخته شده مطابق احکام این فصل، مجازات می‌گردد». در ماده ۶۵۴ آمده است: «شخصی که طفل مذکر یا مخنث را به‌منظور لذت بردن جنسی یا رقصاندن، نگهداری نماید، به حبس متوسط تا سه سال، محکوم می‌گردد» در ماده ۶۵۵ آمده است: «شخصی که طفل مذکر یا مخنث را به‌منظور بچه‌بازی آموزش رقص دهد، به حبس متوسط تا دو سال، محکوم می‌گردد» از این مواد که ذکر شد به دست می‌آید که از منظر قانون‌گذاران افغانستانی بچه‌بازی فقط نسبت به پسران و خنثی‌ها معنا دارد و منحصر به این دو گروه است و دختران را شامل نمی‌شود؛ زیرا در تمام این مواد به طفل مذکر و مخنث تصریح شده و حرفی از طفل مؤنث به میان نیامده است که به نظر می‌رسد این یک نقص به‌حساب می‌آید؛ زیرا بچه هم دختر و هم پسر و هم خنثی را شامل می‌شود پس بچه‌بازی هم هر سه گروه را شامل می‌شود، خوب بود به‌صورت مطلق عنوان «بچه» را می‌آورد و یا به هر سه گروه اشاره می‌کرد و دلیل بر این‌که بچه بازی فقط پسران و خنثی‌ها را شامل و دختران را شامل نشود نداریم.

در فقره ۱ ماده ۶۶۳ آمده است: «هرگاه ارتکاب جرایم مندرج این فصل منجر به تجاوز جنسی بر طفل گردد، مرتکب علاوه بر مجازات مندرج ماده ۶۳۹ این قانون، به مجازات جرم بیچه‌بازی، نیز محکوم می‌گردد» براساس این فقره اگر بیچه‌بازی منجر به تجاوز جنسی به کودک شود، مثلاً در ابتدا برای لذت بردن کودک را وادار به رقص نماید بعدش بر کودک تجاوز جنسی نماید. در این صورت شخص، مرتکب دو جرم علیه کودک گردیده است: بیچه‌بازی و تجاوز جنسی، پس مجازات هر دو جرم نسبت به شخص مرتکب اعمال می‌شود.

در فقره ۲ ماده ۶۶۳ آمده است «هرگاه بیچه‌بازی منجر به تفریض یا مساحقه گردد، مرتکب به حداکثر حبس متوسط محکوم می‌گردد» مثلاً در ابتدا مرد پسر و یا خستی را به منظور لذت بردن برقصاند و بعدش عمل تفریض را با آنها انجام بدهد و یا زن دختر کوچک را در ابتدا به منظور لذت بردن وادار به رقص نماید و بعدش عمل مساحقه را با وی انجام بدهد. در هر دو صورت مجازات مرتکب به حداکثر حبس متوسط محکوم می‌شود.

براساس ماده ۶۶۶: ارتکاب بیچه‌بازی در حالات ذیل مشدد شده شناخته شده، مرتکب به حداکثر مجازات جرم ارتكابی، محکوم می‌گردد:

۱. در حالتی که مرتکب بیش‌تر از یک طفل را نگهداری نماید.
۲. در حالتی که جرم توسط اقارب یا هر شخصی که بالای طفل تسلط قانونی داشته باشد، ارتکاب یابد.

۳. در صورتی که جرم موجب ضرر جسمی یا روانی به طفل گردیده باشد.

از این حالات که ذکر شد حالت دوم به صورت واضح و صریح موضوع مورد بحث را که بزه‌دیدگی کودکان در محیط خانواده است، بیان می‌کند؛ زیرا در صورت دوم آمده است: (جرم توسط اقارب یا هر شخصی که بالای طفل تسلط قانونی داشته باشد، ارتکاب یابد) و معمولاً اقارب و یا کسانی که سلطه قانونی مانند (قیم، وصی و...) بر کودک دارند با توجه به قرابت و سلطنت که بر کودک دارند اعتماد آنان را به خود جلب

نموده و از این قرابت و سلطنت شان سوءاستفاده و جرم بچه‌بازی را علیه کودک در محیط خانواده مرتکب می‌شوند.

## ۵.۱. ازدواج غیرقانونی با کودک

ازدواج با کودک پیامدهای سوء زیادی دارد، از جمله تبعات و آثار سوء آن افزایش آمار طلاق است؛ زیرا دختر و پسری که در سن کم تحت تأثیر مصالح والدین با مرد و یا خانم ازدواج نمایند، وقتی به سن بلوغ فکری و اجتماعی برسند غالباً نمی‌توانند با فرد مورد نظر به زندگی ادامه بدهند چون شناخت از همدیگر ندارند در نتیجه نمی‌توانند همدیگر را تحمل نمایند. (بیگی، پیشین: ۲۲۱) خصوصاً ازدواج دختر کم سن که زمینه را مساعد می‌کند برای باندهای سازمان‌یافته قاچاق انسان و توریسم جنسی تا با سلسله تشریفات صوری، آن‌ها را به عقد خود در آورند و سپس آن‌ها را به روسپی‌خانه‌های کشورهای دیگر بفروشند و علاوه بر این ممکن است به بهانه ازدواج با دختر صغیره، به منظور کسب در آمد در اختیار افراد منحرف که تمایل به برقراری رابطه جنسی با کودکان دارند، قرار دهد. کودک معمولاً بعد از ازدواج از پشتیبانی خانواده اصلی‌اش بی‌بهره می‌شود و خودش هم که توانایی پیگیری حق و حقوقش را ندارد چون آشنایی با حق و حقوقش را ندارد. در نتیجه از تجاوزات که همسرش، زمینه‌اش را فراهم کرده، به دیگران گزارش ندهد؛ لذا قانون‌گذاران کشورها هرکدام به‌خاطر پیشگیری از این ازدواج و تبعات سوء آن و حمایت از کودکان زمان خاص را برای ازدواج دختر و پسر مشخص کرده‌اند که تخطی از آن جرم به حساب می‌آید. قانون‌گذاران افغانستانی در ماده ۷۰ ق، مدنی مقرر می‌دارد: (اهلیت ازدواج وقتی کامل می‌گردد که ذکور سن (۱۸) و اناث شانزده‌سالگی را تکمیل کرده باشند) در ادامه در فقره ۱ ماده ۷۱ ق، مذکور مقرر می‌دارد «هرگاه دختر سن مندرج ماده (۷۰) این قانون را تکمیل نکرده باشد، عقد ازدواج وی تنها توسط پدر صحیح التصرف یا محکمه با صلاحیت صورت‌گرفته می‌تواند» در فقره ۲ ماده مذکور آمده است: عقد نکاح صغیره کمتر از (۱۵) سال به‌هیچ‌وجه جواز ندارد. از فقره ۲ ماده مذکور به دست می‌آید که ازدواج مرد با دختر صغیره کمتر از پانزده سال حتی با اذن ولی وی و محکمه باصلاحیت هم جواز ندارد.

در ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ مجمع سازمان ملل متحد چنین پیش‌بینی شده است: ۱\_ هر زن و مرد بالغی حق دارند بدون هیچ‌گونه محدودیت از نظر نژاد، ملیت، تابعیت یا مذهب با همدیگر زناشویی کنند و تشکیل خانواده دهند. در تمام مدت زناشویی و هنگام انحلال آن، زن و شوهر در کلیه امور مربوط به ازدواج دارای حقوق مساوی می‌باشند. ۲- ازدواج باید با رضایت کامل و آزادانه زن و مرد واقع شود. مطابق ماده مذکور حق ازدواج بعد از وصول به سن بلوغ محقق می‌شود و هم‌چنین در فقره ۲ ماده مذکور تصریح شده که ازدواج باید با رضایت کامل و آزادانه زن و مرد واقع شود و از طرف رضایت کودک که اعتبار ندارد. بنابراین، ازدواج زن و مرد در صورت صحیح است که بالغ و با رضایت کامل باشد و نسبت به کودک این دو شرط وجود ندارد پس ازدواجشان هم صحیح نیست. (همان، ۲۳۱).

با توجه به این‌که حمایت‌های حقوقی در قانون مدنی و اعلامیه جهانی حقوق بشر که افغانستان هم این اعلامیه را پذیرفته و ملزم به رعایت آن است، از کودکان در برابر ازدواج زیر سن صورت گرفته است اما در قوانین کیفری افغانستان متأسفانه ازدواج زیر سن کودکان جرم‌انگاری نشده است.

## ۲. به کارگیری کودک در فعالیت‌های مجرمانه جنسی

در عصر حاضر به‌خاطر انحطاط اخلاقی و کم‌رنگ شدن ارزش‌های انسانی و در آمدی که از بابت به کارگیری کودکان در فعالیت‌های مجرمانه جنسی به مرتکبان این جرم می‌رسند، بیش از هر زمان دیگر مسئله سوءاستفاده از کودکان در فعالیت‌های مجرمانه جنسی مطرح است.

سوءاستفاده از کودکان در فعالیت‌های جنسی ممکن است توسط والدین و افراد خانواده در محیط خانواده صورت گیرد و یا در خارج از محیط خانواده توسط افراد بیگانه انجام شود، این نوع بهره‌برداری که بیش‌تر در قالب آزار جنسی مطرح می‌شود، بیش‌تر در محیط خانواده توسط خویشاوندان نزدیک کودک صورت می‌گیرد، البته در محیط خارج هم دیده می‌شود که بیش‌تر علیه دختران است. (طوقانی‌پور، ۱۳۹۲، ۲۶۲)



از آنجایی که ورود کودکان در فعالیت‌های جنسی باعث ورود صدمه‌های زیاد جسمی، روانی و اجتماعی بر کودکان می‌گردد، قانون‌گذاران کشورها و هم‌چنان مجامع بین‌المللی برای جلوگیری از این عمل ننگین و قبیح؛ این اعمال را جرم‌انگاری نموده و مرتکبان این اعمال را قابل مجازات دانسته‌اند. بهره‌برداری از کودکان در فعالیت‌های مجرمانه جنسی، در قالب اعمالی هم‌چون هرزه‌نگاری، بهره‌برداری در فساد و فحشا صورت می‌گیرد که در زیر به صورت اختصار مورد بحث قرار می‌گیرد:

### ۱.۲. سوءاستفاده از کودک برای «هرزه‌نگاری»

هرزه‌نگاری «پورنوگرافی» عبارت است از نمایش تصویری و یا کلامی رفتارهای جنسی با هدف ارضای خواسته‌های دیگران (فیاض و بختیاروند، ۱۳۹۷: ۸۲) هرزه‌نگاری امروزه معمولاً در قالب، عکس، داستان، فایل تصویری و انیمیشن‌های کوتاه جنسی در فضای مجازی وجود دارد.

در پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک درباره خرید و فروش، روسپیگری و هرزه‌نگاری کودکان که در راستای اجرای مقررات حقوق کودک در سال ۲۰۰۰ در مجمع عمومی سازمان ملل تصویب شده و از سال ۲۰۰۲ قدرت اجرایی پیدا کرده است. هرزه‌نگاری را در بند «ج» ماده ۲ چنین تعریف کرده است: «هرزه‌نگاری کودکان به معنی نمایش از هر طریق باشد که در آن کودکان یا به صورت واقعی و یا مجازی مشغول فعالیت‌های بارز جنسی باشند و یا آلات تناسلی کودک برای مقاصد جنسی به نمایش گذاشته شود».

امروزه با پیشرفت صنعت و فناوری، هرزه‌نگاری اینترنتی بسیار رو به افزایش است و هم‌چنان دسترسی به تصاویر، فیلم، انیمیشن‌های جنسی «پورنوگرافی» بسیار راحت شده است. «اینترنت، ارزان‌ترین، سریع‌ترین منبع برای هرزه‌نگاری است. عاملان هرزه‌نگاری از فروش آنلاین محصولات خود بیش از یک میلیارد دلار در آمد کسب کرده‌اند. ۷۰ درصد کودکانی که تصاویر پورنو را در اینترنت می‌بینند از طریق کتابخانه عمومی و مدارس به اینترنت دسترسی دارند.» (همان، ۸۲) از طرف هرزه‌نگاری تأثیرات منفی زیادی جسمی و روحی نسبت به کودکان و نوجوانان، دارند و این باعث نگرانی مجامع

بین‌المللی و کشورها گردید، لذا علاوه بر اینکه هرزه‌نگاری در اسناد، اعلامیه‌ها و پروتکل‌های بین‌المللی، جرم‌انگاری گردیده است، کشورها نیز هرکدام برای جلوگیری از هرزه‌نگاری و به‌خصوص برای پیش‌گیری از ورود کودکان و نوجوانان در این عرصه، هرزه‌نگاری را جرم‌انگاری نموده‌اند. در قوانین کیفری افغانستان نیز این عمل جرم‌انگاری شده است در فقره ۲ ماده ۸۷۴ کود جزای افغانستان به نحوی پورنوگرافی تعریف گردیده است: «پورنوگرافی عبارت است از نمایش شخص در حالت عمل جنسی آشکار و نمایش تصاویر شخص در حالت عمل جنسی آشکار». در فقره ۴ ماده مذکور آمده است: «هرگاه هدف از پخش و نشر پورنوگرافی، ترغیب طفل به فعالیت‌های جنسی باشد مرتکب به حداکثر مجازات مندرج این ماده، محکوم می‌گردد». این فقره به‌منظور حمایت از کودکان و پیش‌گیری از گرفتار شدن آنان در دام هرزه‌نگاری مجازات سنگین‌تری برای مرتکبان تولید پورنوگرافی و نشر کنندگان آن در نظر گرفته است.

## ۲.۲. سوءاستفاده از کودک برای فساد و فحشا

یکی از شیوه‌های رایج سوءاستفاده از کودکان در فعالیت‌های مجرمانه‌ی جنسی، استفاده از آنان برای فساد و فحشا است. با توجه به تحقیقاتی که در این زمینه صورت گرفته است، مهم‌ترین عاملی که کودکان را در این راه می‌کشاند، عامل اقتصادی و فقر کودکان، است. قانون‌گذاران افغانستان به‌منظور حمایت از کودکان، این پدیده را جرم‌انگاری نموده‌اند. مطابق فقره ۱ ماده ۶۱۸ کود جزای افغانستان «شخصی که طفل را به فجور یا اتخاذ فسق به حیث حرفه تحریک، تشویق یا مجبور نماید و یا در این مورد تسهیلاتی برای وی فراهم سازد، به حبس متوسط که از سه سال کم‌تر نباشد محکوم می‌گردد». مطابق این فقره حمایت پیش‌بینی شده از کودکان را می‌توان تحت سه عنوان بحث کرد:

۱. حمایت در برابر تحریک و تشویق کودک به فساد و فحشا: یعنی اگر کسی کودکان را تحریک و تشویق به این کار نماید مثلاً از راه نشان دادن فیلم‌ها و تصاویر پورنوگرافی

و... در کودکان ایجاد انگیزه نماید، تا آنان با رضایت و رغبت به فساد و فحشاء می‌پردازند مجازاتش همان است که در فقره فوق ذکر شد.

۲. حمایت در برابر مجبور و وادار نمودن کودک به فساد و فحشاء.

۳. حمایت در برابر فراهم نمودن تسهیلات جهت کشاندن کودک به فساد و فحشاء، یعنی اگر کسی مکان جهت این اعمال تهیه نماید و موانع دیگر را برطرف نماید تا کودک در این وادی وارد شود، مجازاتش همان حبس متوسط که از سه سال کم‌تر نباشد، است.

در فقره ۲ ماده مذکور آمده است: «هرگاه مرتکب از جمله اقارب مجنی‌علیه تا درجه سوم باشد و یا از اجرای عمل خود قصد به‌دست آوردن منفعت را داشته باشند، به حبس طویل که از ده سال بیش‌تر نباشد، محکوم می‌گردد» براساس این فقره اگر والدین و نزدیکان دیگر کودک تا درجه سوم، کودک را تشویق، تحریک و وادار به فساد و فحشاء نمایند و یا تسهیلات را برای کشیده شدن کودک به فساد و فحشاء فراهم نمایند، مجازاتش حبس طویل که از ده سال بیش‌تر نباشد، است. هم‌چنان اگر کسی غیر از اقارب کودک، قصد به‌دست آوردن منفعت از ورود کودک به فساد و فحشاء را داشته باشد مجازاتش حبس طویل که بیش‌تر از ده سال نباشد، است.

### نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه که در این مقاله بررسی گردید؛ بزه‌دیده به کسی گفته می‌شود که در جریان یک عمل مجرمانه محتمل آسیب جسمی، مالی، روانی، روحی، حیثیتی گردیده‌است و بزه‌دیدگی جسمانی و جنسی کودکان هم از همین قبیل است یعنی کودک بزه‌دیده به کودکی گفته می‌شود که در جریان عمل مجرمانه علیه جسم و عفت وی، متحمل آسیب گردیده‌است. براساس حقوق کیفری افغانستان حمایت از کودکان اختصاص به مرحله بعد از تولد ندارد بلکه مرحله جنینی کودک را نیز شامل می‌شود؛ لذا سقط جنین در قوانین کیفری افغانستان جرم‌انگاری شده است. در حقوق کیفری افغانستان کودکان در برابر برخی از جرایم علیه جسم آنان مثل بزرگسالان در نظر گرفته شده‌است و تفاوت بین کودک و بزرگسال در این نوع از بزه‌دیدگی‌ها وجود

ندارد، مثل قتل، ضرب و جرح کودک و حمایت ویژه نسبت به کودکان در این زمینه در قوانین افغانستان وجود ندارد، اما از کودکان در برابر تنبیه بدنی آنان. حمایت ویژه صورت گرفته است. قانون‌گذاران افغانستانی در کود جزا، جرایم جنسی علیه کودکان را مثل تجاوز جنسی، زنا، لواط، تفخیز، مساحقه، بچه‌بازی و سوءاستفاده از آنان در مسایل جنسی را جرم‌انگاری نموده منتهی در برابر برخی از این جرایم (بچه‌بازی، تجاوز جنسی و سوءاستفاده از آنان در مسایل جنسی) حمایت ویژه از کودکان صورت گرفته است و نسبت به بقیه این جرایم تفاوت بین کودکان و بزرگسالان قایل نشده است و متأسفانه ازدواج کودکان را اصلاً جرم‌انگاری ننموده است گرچه در فقرة ۲ ماده ۷۱ قانون مدنی ازدواج کودک زیر ۱۵ سال را ممنوع دانسته است اما در قانون جزا و کود جزا این عمل جرم‌انگاری نشده است و مجازات برای کسی که با کودک ازدواج نماید یا پدری که فرزند صغیره‌اش را به ازدواج مردی در می‌آورد تعیین نشده است. به نظر با توجه به ضعف کودکان و تاثیر منفی این جرایم روی کودک، نسبت به کودکان در برابر این جرایم، باید سیاست خاص و ویژه در نظر گرفته شود.

## فهرست منابع

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، چاپ سوم، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، ۱۴۱۴.
۲. ابوالحسین، احمد بن فارس، معجم مقائیس اللغه، قم، چاپ اول، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۰۴.
۳. ارجمند دانش، جعفر، ترمینولوژی حقوق جزای اسلامی یا فرهنگ اصطلاحات حقوق جزای اسلامی، [بی جا]، چاپ اول، انتشارات اعظم بناب، ۱۳۷۸.
۴. ازگلی، گیتی و دیگران، بررسی وضعیت جنین آزاری و فاکتورهای مساعد کننده آن در زنان باردار مراجعه کننده به بیمارستان‌های منتخب دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی شهر تهران در سال ۱۳۹۱، مجله زنان مامایی و نازایی ایران، دوره نوزدهم، شماره ۱۲، خرداد ۱۳۹۵.
۵. آقایی‌نیا، حسین، حقوق کیفری اختصاصی (جرایم علیه اشخاص «جنایات»)، تهران، چاپ دوم، میزان، ۱۳۸۵.
۶. بیگی، جمال، بزه‌دیدگی اطفال در حقوق ایران، تهران، نشر بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۸۴.
۷. پیوندی، غلامرضا، حقوق کودک، تهران، سازمان انتشارات پژوهش‌گاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۰.
۸. الجزیری، عبدالرحمان، کتاب الفقه علی مذاهب الاربعه، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۲۲.
۹. حاجی ده‌آبادی، حقوق تربیتی کودک در اسلام، قم، پژوهش‌گاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۱.
۱۰. حاجی ده‌آبادی، محمدعلی، جرم‌شناسی کاربردی، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)، ۱۳۹۷.
۱۱. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، [بی تا].
۱۲. حسینی‌خواه، سیدجواد، تنبیه بدنی کودکان در نظام بین‌الملل حقوق بشر و فقه امامیه، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار (ع)، ۱۳۸۹.
۱۳. علامه حلی، حسن بن یوسف، شرح تبصره، ترجمه زین‌العابدین ذوالمجدین، تهران، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۹.

۱۴. خویی، سید ابوالقاسم موسوی، مبانی تکملة المنهاج، مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئي ره، قم، چاپ اول، ۱۴۲۲.
۱۵. دادستان، پریخ، روان‌شناسی جنایی، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۲.
۱۶. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۱۷. رایجیان اصلی، بزه‌دیدگان و نظام عدالت جنایی، مجله حقوق دادگستری، شماره ۵۲ و ۵۳، ۱۳۸۴.
۱۸. رایجیان اصلی، بزه‌دیده شناسی حمایتی، تهران، مؤسسه انتشارات دادگستر، چاپ دوم، ۱۳۹۰.
۱۹. ژرار، لیز، ژینا، فیلیزولا، بزه‌دیده و بزه‌دیده شناسی، ترجمه: روح‌الدین کرد علیوند-احمد محمدی، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۷۹.
۲۰. سلیمان الفارقی، حارث، المعجم القانوني، بيروت، چاپ سوم، مکتبه لبنان، ۱۹۹۱.
۲۱. شهلا پاک‌دامن، پریساپور علمداری و فائزه پیمان پاک، سیره تربیتی پیشوایان دینی در مقابله با تنبیه بدنی کودکان، [بی‌جا]، [بی‌نا]، ۱۳۹۰-۱۳۹۲.
۲۲. طوقانی‌پور، فائزه، جرایم والدین و سرپرستان قانونی علیه کودکان در نظام حقوقی ایران، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۲.
۲۳. عبدالرحمان، محمود، معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهيّة، [بی‌جا]، [بی‌نا]، [بی‌تا].
۲۴. عمید، حسن، فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ اول، ۱۳۸۹.
۲۵. فرامرز گودرزی و مهرزاد کیانی، پزشکی قانونی برای دانشجویان رشته حقوق، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۴.
۲۶. فیاض، ایراندخت و بختیاروند، مریم، «هرزه‌نگاری چالشی فراروی تربیت جنسی از دیدگاه اسلام»، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، شماره ۳۹، ۱۳۹۷.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷.
۲۸. گزارش یونسف از استعمار کودکان در جهان، روزنامه ایران، شماره ۱۹۹۴.
۲۹. محقق داماد، سیدمصطفی، فقه پزشکی، تهران، انتشارات حقوقی، چاپ دوم، ۱۳۹۱.
۳۰. مدنی، سعید، خشونت علیه کودکان در ایران، تهران، آشیان، ۱۳۸۹.
۳۱. مشکات، سیدمصطفی و صلاحی، سهراب، «مطالعه سنجشی جنین آزاری در سامانه کیفری ایران و ایالات متحده آمریکا»، فصل‌نامه پژوهش حقوق کیفری، سال هفتم، شماره ۲۴، پاییز ۱۳۹۷.

۳۲. معاونت آموزش سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، حقوق جزای اسلام، تهران، اداره چاپ و نشر ساعس ناجا، چاپ اول، ۱۳۷۰.
۳۳. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، چاپ بیست سوم، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۵.
۳۴. نوری، رضا، «پدوفیلی در حقوق جزای اسلام و حقوق بین‌الملل»، ماهنامه دادگستری، شماره ۳، ۱۳۷۹.
۳۵. \_\_\_\_\_، «کیفر سقط جنین در قانون مجازات اسلامی در تعارض آن با ماده قانون تعزیرات»، مجله قضایی و حقوقی دادگستری جمهوری اسلامی ایران، شماره ۵، ۱۳۷۱.
۳۶. وارسته، حمید، فرهنگ جامع حقوقی، بی‌جا، چاپ اول، نشر امیرکبیر، ۱۳۸۶.
۳۷. ولیدی، محمدصالح، حقوق جزای اختصاصی (جرایم علیه اشخاص)، تهران، چاپ چهارم، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۴.